

پارانویا، اسکیزوفرنیای پسامدرن و عدالت اجتماعی در رمان *لیبرا* اثر دان دلیلو

علی‌رضا نامجو

دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد مطیعی (نویسنده مسؤل)

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مقاله حاضر تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه دان دلیلو، در اثرش *لیبرا* اظهار می‌کند که در دنیای امروز عدالت اجتماعی به دلیل پارانویا و توطئه وجود ندارد. جان رالز، استاد فقید دانشگاه هاروارد، در آثار اصلی خود درباره عدالت اجتماعی و جهان آرمان نوشته است. در رمان *لیبرا*، دلیلو به ترور کندی از سوی اسوالد و به طور کلی تأثیر نامطلوب آن بر جامعه اشاره دارد. در این رمان، پارانویا به عنوان اسکیزوفرنی پارانوئید تجربه می‌شود، که در آن بیماران هر دو ویژگی را نشان می‌دهند. اگرچه *لیبرا* بر اساس رویدادهای تاریخی و شخصیت‌های واقعی تصنیف شده است، اما تلاشی برای تولید نسخه‌ای تاریخی دقیق از این رویدادها نیست. دلیلو قصد ندارد به شرح آنچه که واقعاً در آن روز اتفاق افتاده است بپردازد یا روایتی بی‌چون و چرا از توطئه ترور ایجاد کند بلکه او از شخصیت سوزان، دختر جوان توطئه‌گر اورت، برای به‌تصویر کشیدن وضعیت تاثیرگذار پارانوئید استفاده می‌کند. با ترکیب واقعیت تکه‌تکه و پاسخ‌های پارانوئیدی برانگیخته و با نشان دادن این که چگونه اسکیزوفرنی پارانوئید بیماری‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند، دلیلو یک اثر ادبی ارائه می‌کند. بنابراین، مقاله حاضر به بررسی جایگاه عدالت اجتماعی در جهان پسامدرن پارانوئید می‌پردازد.

واژگان کلیدی: بی‌عدالتی؛ دان دلیلو؛ *لیبرا*؛ عدالت اجتماعی.